جام جم

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

۵

چهارشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۱ شماره ۶۲۳۱

نگاه

نشست بررسی سریال «حکم رشد» با حضور عوامل در «جام جم»:

یک سریال پلیسی متفاوت

سرهنگی می‌خواهد ریاست کلانتری منطقه‌ای را بپذیرد که برادر شیری‌اش در آنجا زندگی می‌کند اما اعضای خانواده معتقدند که این اتفاق «ذبیح» و «غلام» را که آدم‌های لات و دردسرسازی هستند، روبه‌روی یکدیگر قرار می‌دهد. این خلاصه‌ای از سریال «حکم رشد» است که پخش آن از چندی پیش از شبکه سه آغاز شده و به پخش قسمت بیستم رسیده است.

۶

گزارش «جام جم» درباره بازنمایی تصویر پلیس در فیلم‌های سینمای ایران

اشتباه نشانه گرفته‌اید

۹

نمایی از فیلم «مرد بازنده» به کارگردانی محمدحسین مهدویان

نگاهی به اجرا، توقیف و صدور مجدد مجوز یک نمایش مروج بی‌اخلاقی

آژیر خطر در ایرانشهر؛ ارشاد کجاست؟

نمایش «مخاطب» به کارگردانی جابر رمضانی که اجرایش از روز ۱۱ خرداد متوقف شده بود، از دوشنبه ۱۶ خرداد دوباره به صحنه رفت. این نمایش از روز ۲۶ اردیبهشت در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه بود اما روز چهارشنبه هفته گذشته اجرای نمایش متوقف شد. روز دوشنبه، گروه اجرایی این نمایش بار دیگر یک بازبینی رفتند و به صورتی عجیب در پایان بازبینی قرار شد این نمایش اجرای خود را از سر بگیرد.

۱۱

یادداشت

تلویزیون، بهترین رسانه برای عرضه سریال است

علی قوی‌تن
کارگردان

برخلاف تبلیغاتی که می‌شود، فکر می‌کنم بهترین رسانه برای تولید و عرضه سریال، همان تلویزیون است. تلویزیون جای خاص و ضوابط خود را در سریال سازی دارد که باعث شده سریال‌هایی مانند هزاردستان، سربداران، گرگ‌ها و بسیاری مجموعه‌های خاطره‌انگیز دیگر در این رسانه تولید شده و ارائه شوند.

رونق را نباید با زرق و برق اشتباه کرد. درست است که زرق و برق سریال‌های خانگی خیلی زیاد است ولی رونق سریال‌های تلویزیون خیلی بیشتر است، حتی معمولی‌ترین سریال تلویزیون را چندمیلیون نفر می‌بینند و برای همین ظرفیت مخاطب تلویزیون خیلی بیشتر است.

برخی فیلم‌هایی که ساخته‌ام بعد از پخش از تلویزیون خیلی بیشتر دیده شده‌اند و برای همین اگر طرح خوبی برای سریال سازی در تلویزیون پیدا کنم، قطعا به سمت تلویزیون می‌آیم، ضمن این‌که معتقدم باید از سریال‌های ماندگار حمایت کرد.

اگر مدیران رسانه بیشتر از قبل از افراد توانا حمایت کنند، باز هم سریال‌های ماندگار خواهیم داشت. مرحوم علی حاتمی در تلویزیون بود که سریالی درجه یک ساخت و داوود میرباقری هم بهترین کارهایش برای تلویزیون بوده است.

کافی است بخواهیم اسباب تولید سریال‌های جذاب را فراهم کنیم. آن وقت است که می‌توانیم شاهد آثار خوبی باشیم. شخصا امیدوارم شرایط ارتقای کیفی سریال‌ها فراهم شود تا بتوانیم شاهد آثار خوش ساخت باشیم.

خودم سریال‌های تلویزیونی را می‌بینم و سریال‌های شبکه خانگی را هم جسته و گریخته دیده‌ام. آنچه به سریال‌های خانگی ضرر زده، نوعی تکرار مکررات و زرق و برق الکی است که شاید در نگاه اول جذاب باشد ولی فقط پس از چند قسمت به نوعی بیهودگی و تکرار مکررات شبیه می‌شود.

در مجموع معتقدم همچنان سریال‌های تلویزیونی از منظر خانوادگی امن‌تر و مطمئن‌تر برای تماشا هستند و اگر قدری بیشتر روی سوژه‌ها دقت کنند و تولید را ارتقا دهند، قطعا بسیار بیشتر مورد توجه قرار خواهند گرفت.

اما گاهی شاهد هستیم برخی به این موضوع توجه نمی کنند و سوژه های جذاب دستمایه ساخت آثار نمایشی قرار نمی گیرد و همین باعث می شود از تعداد مخاطبان کاسته شود. البته این موضوع خیلی کم اتفاق می افتد و در بیشتر مواقع شاهد سریال هایی با موضوع های جذاب هستیم که از تلویزیون پخش می شود.

نمای نزدیک

مضحکه مجری و دیگر هیچ

احمد میراحسان
مستندساز و پژوهشگر

در رسانه‌ملی یک منتقد با استعداد تباه شده و یک کارگردان بی‌استعداد دچار توهم نسبت به موقعیت خود، حرف حق منتقد دیگر را بسوزانند که موضعش افشای کارشناختی از حقیقت سینمایی دشمن خو و دفاع از منافع ملت است و وقت مخاطبان منتظر شنیدن دو کلمه حرف حساب را بگیرد تا صرفا برنامه‌ای بسازند نهان روش و شعبده‌ای از سحر؟! این برنامه درباره یک رخداد قبیح جشنواره‌ای جهانی، همه چیز را زیر لبی و مغشوش، در هم آمیخته تا به‌جای روشنگری و جست‌وجوی بی‌شائبه حقیقت، سر مردم کلاه بگذارد؟ آدم‌هایی در آن پز انتلکتوئل‌های جهان سومی بگیرند و وظیفه خود بدانند که عمق یک رسوایی سینمایی مبتذل را که کارش بازی در بازی وانموده‌های غربی علیه ملت و مذهب ماست ماله‌کشی کنند و بدترخط بدهند و بازبدتر تلاش کنند توپ را از زمین غرب و کثافتکاری‌اش درآورند و در زمین جمهوری اسلامی بیندازند! با یک وانموده کاذب دولت آقای رئیسی را در فشار قرار دهند به سود پذیرش آثار ضد ارزش‌های انقلابی و پر از سیاه‌نمایی مخالفان غربگرای حکومت. چطور؟

با این ترفند افخمی که عنکبوت مقدس و این حرف‌ها نخ‌نماست، ولش! اما ببینیم جشنواره‌فجر امسال که محصول وزارت ارشاد این دولت است چه می‌کند؟! بعد روشن کند منظورش ترویج اباحه‌گری با مجوز تداوم جنگ سینمایی سینماگران غربگراست، یعنی سیاست ضد وصیت امام (همان کاری که کن می‌کند) تا مقبول طبع غربگراهای ما باشد.

وضع دشوار سیاست دینی در خصوص سینمای ما از آنجا پیش می‌آید که نه تنها در سال ۵۷ همه نیروهای سینما تربیت یافتگان یک ساختار پیرامونی آویزان به قدرت سلطه‌گر و کافر بودند، بلکه امروز ۴۳ سال پس از آن زمان کماکان به یمن سیاست نولیبرالی کابینه‌ها و عدم پایبندی به تحول ساختاری سینما و تربیت نیروهای متخصص هماهنگ با افق جمهوری اسلامی، نیروهای مستعد، مدرن‌های گاو شیرده نظام پیرامونی و آویزان به دشمن و در خدمت نگرش غرب‌اند. اگر در قوم موسی(ع) علیه هنرمندانش سرسپرده سامری باشند، چاره چیست به بهانه داشتن استعداد، باید تسلیم نگاه فاسدشان شد و هنرشان را پر و بال داد، چون دارای قدرت ساختاری مقلد و نظام زیبایی‌شناسی جادویی و اعجاب‌انگیز و فرعون خوست؟ آیا ساختار موزون و خلاق یک فیلم پورنو یا فاشیستی یا سرسپرده فرعونیت شیطانی به ما اجازه می‌دهد در مقام یک نظام دینی اجازه تزریق سمش را به جان و ذهن مردم بدهیم؟ راه‌حل ساده است. بروند نزد اربابان‌شان فیلم بسازند و درجشنواره‌هایشان نمایش دهند اما توقع نشر ظلمات از سوی جمهوری اسلامی ایده‌آلیستی و مضحک است. به هرحال، این بار بازی افخمی سراپا لورفته است.

اول این‌که جشنواره‌ای با امضای رسمی حکومت حق ندارد به آثار ضد اسلام و انقلاب اسلامی مجوز شرکت دهد. خود را گول نزنیم، اصلا منظور نفی آثار انتقادی از فساد و مظالم موجود در جامعه و حکومت نیست، بلکه آثاری است که به زبان کینه‌توزانه از اسلام و انقلاب اسلامی حرف می‌زنند.

دوم این‌که تیله‌ای که افخمی رها می‌کند، نیرنگ بازانه است و آن امر ناممکن زایش سینمایی آبرومند از نظر استتیک، تفکر و تکنیک است در فرصت دوساله.

آقای افخمی می‌داند در هرحال فیلم‌هایی که امروز ساخته می‌شوند، محصول ریشه‌های طولانی‌مدت و پس‌زمینه اوضاع جامعه است. نفوذ دیدگاه‌های بیگانه در فیلمسازان بیگانه با آرمان‌های ملی و مستقل و دینی یک‌شبه برطرف نمی‌شود تا فیلمسازانی انقلابی و جوان پدید آیند و آثاری ماندگار بیافرینند. وادادگی هم ربطی به سرزندگی کابینه‌ای متکی بر اصول و حقیقت یک انقلاب و تلاشش برای رهایی از فساد و فحشای غرب و هزار مرض ندارد! و نگاه فیلمسازان ساحر و تفکر نوکرمآبانه و تسلیم‌طلبانه‌شان هم نسبتی با آرمان سینمای مستقل ملتی در پی زایش و خلاقیت نو و آزاده ندارد. وزارت ارشاد با پرکردن جشنواره از آثار سیاه نیست که اثبات می‌کند محصول دوساله دولت جدید، پیروزمند است.

بالاتر از هیاهوی بسیار برای هیچ

افخمی خوب می‌داند کار تحول و شکوفایی سینمای درخور ارزش‌های انقلاب اسلامی با دو سال رئیس جمهور شدن فردی انقلابی ممکن نیست محقق شود و دارد فریبکاری و زمینه‌چینی می‌کند که فردای جشنواره با اغراض ایدئولوژیک سررئیس جمهور آوار شود یا بترساندش و به آثار ویرانگر مجوز شرکت دهد. البته مشکل در ساختار دولتی جشنواره‌های مریض و با مدیریت قجری ماست اما وادادگی حرف دیگری است و حرف عوام‌فریبانه و پوچ چیز دیگر!

کاش فقط این بود که دهان باز می‌کردند تا هیچ نگویند. نه! دهان باز کردند تا مضحکه‌ای تلخ به‌پا و صدای سعید مستغاثی را در هیاهو برای هیچ گم کنند.

بدتر از این تلقی «هیاهو برای هیچ» در مورد یک فیلم ضدایرانی است که اصلا هیاهو برای هیچ نیست بلکه خط‌دهی لیبرال‌مآبانه با هدف خاموش‌کردن خشم مردم و جوانان اهل سینما با اجرای بهروز افخمی و بازی و اداهای امیر قادری است با دستان خالی از دانش و حقیقت برای مدیریت اعتراض به ظلم وحشیانه به ساحت معصومیت مظلوم. شرکت بی‌نتیجه سعید مستغاثی هم مانع بازی مدرن‌ها نیست تا به نقطه وحدت دروغین بی‌ربطی تظاهر کنند، که اتفاقا نقطه افتراق بود. روش افخمی و قادری، سرهم‌بندی، حرف تو حرف آوردن، سطحی‌نگری مفرط، کار باری به هرجهت و شتاب‌زده بود که گویی تنها هدفش آن بود که حرف اصلی شنیده نشود؛ حرف سعید مستغاثی که مستند به تاریخ سینما بود و حرفش را نمی‌خواستند بشنوند. واقعا شیطان آدم را اغوا می‌کند بگوید وقتی منتفع از شهروندی کانادایی از این بیشتر نمی‌توان توقع افشای فسادشان را داشت. بالاخره سوگندی خورده‌ای و پای پاسپورت شنگن در میان است اما متن بد بنا شده و بلبشوی برنامه چه بود و حاشیه‌های مهم‌تر از متن کدام بود؟

نکته

نشانی‌های غلط

حواشی برنامه که در آن افخمی و قادری پیام‌هایشان در قالب نشانی‌های غلط را ارسال کردند:

۱- این توطئه‌ها مهم نیست کاری نکنید

۲- صدوربیانیه گناه کبیره است، کار ما سکوت است و اجازه به اثربخشی توطئه

۳- انحراف موضوع با طرح یک پیشنهاد غلط و فراهم کردن زمینه. از پیش تولید سوژه تبلیغ علیه دولت آقای رئیسی و در فشار گذاشتنش برای اتخاذ سیاستی لیبرال برای جشنواره فیلم فجر آینده

۴. افخمی در این میان یک ایده غلط را جا انداخت. جشنواره فجر آینده آثارش محصول دولت آقای رئیسی است و این یک بازی بس سطحی است

۵- همچنین نهان کردن بی‌شرمی حقیقت رفتار سلبریتی‌ها و عروسکان خیمه‌شب بازی و کارگردانانی مثل فرهادی و روستایی دنباله‌های پناهی و رسول اف، با سخنان ضدایرانی و مظلوم نشان دادن آنها؛ درحالی که آنان یکی از نمادهای پرورش پرمدعا و نندر در جشنواره توسری خور فیلم فجر هستند. خود وجود روستایی، اثبات فقدان کامل یک شخصیت مستحکم و بنیان استوار سینمایی و بهره‌مندی دشمنان انقلاب از بیت‌المال و رانت‌های بزدلان است و جوایزناحق به فیلم ابد و یک روز. فرضا جایزه یک جشنواره خصوصی لیبرال به فرهادی و روستایی، قابل فهم است اما یک جشنواره دولتی برای چه باید ضد پروتکلش به اثری مریض و ضدملی جایزه بدهد؟

۶- هدف پنهان برنامه گویی تبلیغ آثار گوشه‌دار و گاه خصمانه و فشار برای پذیرش‌شان در جشنواره امسال بوده.

۷- پراکندن ایده غلط و احمقانه این‌که ما جشنواره‌ای مثل آنها غیر ایدئولوژیک و با ایدئولوژی‌های گوناگون برپا کنیم و اجازه دهیم آثارشان در آن شرکت کنند. این ایده از هر سو غلط است؛ اولا جشنواره‌هایشان کاملا ایدئولوژیک است. ثانیا مگر آنان فیلم مدافع جمهوری اسلامی را می‌پذیرند که از گرد هم آمدن آثار فمینیستی و... در جشنواره فجر حرف می‌زنیم!

گفت‌وگو با اهورا شهبازی درباره اهمیت دیده شده آثار برگزیده

جشنواره‌های انیمیشن

۱۰

صادق چراغی، آهنگساز، نوازنده و کارشناس موسیقی اقوام:

سازندگان «تفنگ سرپر» ریسک کردند

۷

در نخستین جشنواره تولیدات رادیویی زیارت چه گذشت؟

پایان رقابت ۳۰۰۰ اثر زیارتی

محسن نصرپور می‌گوید: «رادیو زیارت هرچند رسانه‌ای نوپاست ولی در این مدت توانسته دستاوردهای خوبی در حوزه زیارت و بیان معارف اهل بیت(ع) داشته باشد از جمله پس از شیوع ویروس کرونا این شبکه با پخش روزانه هشت ساعت برنامه زنده از حرم امام رضا (ع) به ویژه در مناسبت‌های خاص...

۸

با شروع فصل گرما، چالش تهیه پوشاک عفیفانه شدت گرفته است

باحجابی را گران نکنید!

هوا چند هفته‌ای است که رو به گرمی نهاده و تابستان همین روزها با همه توان رخ خواهد نمود و این درست زمانی است که همانند سال‌های قبل، لباس‌های کوتاه و بی‌دکمه و پوشش‌هایی که کارکردشان محل ابهام است، ویترین مغازه‌ها را قبضه می‌کند درحالی که هم مشتری دارد و هم پوشاک عفیفانه را به‌طرزی ماهرانه و در نبردی غیرمستقیم به حاشیه می‌برد. این سبک زندگی سال‌های اخیر ماست؛ نوعی سبک و سیاق تحمیل شده به جامعه که در کلام، همه دست‌اندرکاران آن را تقبیح می‌کنند.

۱۲